

بررسی و تحلیل ترجمه پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم؛

مطالعه موردی آیه چهار سوره مبارکه نوح^۱

معصومه پویا^۲ و فرهاد دیوسالار^۳

دیوسالار^۳

چکیده

ترجمه قرآن کریم، از آن‌رو که کلام وحیانی و منشور حیات طیبه است، دارای حساسیت بالایی است. فهم صحیح آیات و انتقال درست آن به زبان مقصد نیازمند تسلط مترجم بر ابزارهای زبانی و نظریات معناشناسانه می‌باشد. این پژوهش با استفاده از نظریات «نظم عبدالقاهر»، «انسجام هالیدی و حسن» و «کنش‌گفتار آستین» تلاش دارد به تبیین ساختار «لو کنتم تعلمون» در آیه چهار سوره مبارکه نوح بپردازد و ترجمه‌های حداد عادل و فولادوند را با این دیدگاه با یکدیگر مقایسه می‌نماید. حاصل پژوهش گویای این است که ترجمه حرف «لو» در این آیه به صورت تمنا و آرزو تأثیرگذارتر است.

واژه‌های راهنما: انسجام هالیدی و حسن، ترجمه قرآن کریم، ساختار لو کنتم تعلمون،

کنش‌گفتار آستین، نظم عبدالقاهر

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۳ به تصویب رسید.

۲. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست الکترونیک: masumehpouya@gmail.com

۳. نویسنده مسئول: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست الکترونیک: divsalarf@yahoo.com

۱. مقدمه

قرآن کریم از ویژگی‌های منحصر به فرد و شگفتی‌های حیرت‌آوری برخوردار است. در گزینش و چینش واژگان، هماهنگی و نظم حیرت‌آوری به کار رفته که اگر واژه‌ای دیگر جایگزین آن شود، نظام آن دستخوش خلل معنایی خواهد شد. یکی از نکات مهم در برگردان سبک‌شناسانهٔ آثار زبان مبدأ، به‌ویژه آثار ادبی، توجه به برجستگی^۱ و بسامد بالای عناصری است که یک اثر را از دیگر آثار متمایز می‌کند. مترجم چنین آثاری باید در برگردان اثر نهایت تلاش خود را خرج دهد تا آن ظرایف زبانی عمدتاً مربوط به بار معنایی واژگان و عبارات را در متن تولیدی خود بازتاب دهد. از این رهگذر خوانندهٔ متن قادر است شمه‌ای از سبک و سیاق اثر مبدأ را حس کند (راستی، ۱۴۰۰).

اهمیت ترجمهٔ قرآن کریم و انتقال کامل پیام الهی جهت بهره‌مندی حداکثری از مفاهیم انسان‌ساز آن بر کسی پوشیده نیست و برخلاف ادعای هرمانز^۲، قرآن کریم از نظر جهان اسلام ترجمه‌ناپذیر نبوده (طیبی، ۱۳۹۲) بلکه در این مسیر، مترجمان گوی سبقت را از یکدیگر ربوده‌اند و آنچه امروز محل بحث و پژوهش می‌باشد، کیفیت انجام کار است که پژوهش پیش رو جهت تحقق این امر، تسلط مترجم بر زبان مبدأ و مقصد با ابزارهای زبان‌شناسی را ضروری می‌داند. که یکی از رهیافت‌های این رویکردهای مبتنی بر زبان‌شناسی، توسعهٔ مفهوم تعادل و جایگزین نمودن آن به‌جای مناقشهٔ قدیمی و سنتی وفاداری در برابر

۱. Saliency

۲. Hermans

کاربرد حرف «لو» در آیات کریمه و ترجمه آن از موارد پرچالش در ترجمه قرآن است. در بررسی این حرف، ساختار «لو کنتم تعلمون» در آیه ۴ سوره مبارکه نوح مورد موشکافی قرار گرفت. در این پژوهش پنجاه و پنج ترجمه قرآن مورد مطالعه قرار گرفته است. در میان این ترجمه‌ها دو رویکرد برای ترجمه حرف «لو» در این ساختار شناسایی شد. رویکرد اول آن را به معنای «اگر» و رویکرد دوم به معنای «کاش». در مقاله پیش رو ترجمه فولادوند به عنوان نمونه از رویکرد اول و ترجمه حداد عادل به عنوان نمونه از رویکرد دوم مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با استفاده از نظریات نظم جرجانی و انسجام^۱ هالیدی و حسن^۲ و کنش‌گفتار^۳ جین آستین^۴ این دو رویکرد مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا با توجه به کنش‌ها و نظم موجود در زبان مبدأ، برای سؤالات زیر پاسخی شایسته بیابد:

الف: دریافت نظم و ترتیب کلام، شناخت انسجام واژگان و درک کنش‌ها چه تأثیری بر

انعکاس آن در ترجمه و انتخاب معادل معنایی مناسب جهت انتقال پیام می‌گذارد؟

ب: فهم دقیق بافت متن مبدأ توسط مترجم به عنوان خالق متن مقصد تا چه اندازه در

انتخاب واژه و انتقال پیام نهفته در آن تأثیر دارد؟

در مسیر پاسخگویی به سؤالات پژوهش، فرضیه‌های ذیل مورد بررسی قرار خواهد

۱. Cohesion

۲. Halliday and Hasan

۳. Speech Acts Theory

۴. Austin

گفت:

الف: بررسی چنین ساختارهایی با ابزار بلاغیون متقدم و زبان‌شناسان متأخر می‌تواند به یافتن انسجام و نظم عمیق توأم با کنش میان این پاره‌گفتارها و جملات پیرامون منجر شود به طوری که آن‌ها را از یک عبارت شرطی بی‌ثمر به عبارت کنشی تأثیرگذار ارتقا دهد.

ب: مترجم با استفاده از کاربردشناسی و شناخت دقیق انسجام، نظم و کنش‌های موجود در پاره‌گفتار، می‌تواند با واژه‌گزینی مناسب، ترجمه‌ای متناسب با متن مبدأ ارائه دهد.

۲. پیشینهٔ تحقیق

نقد ترجمهٔ قرآن پیشینه‌ای دیرینه دارد اما در سال‌های اخیر به دلیل نگاه‌های نوین در ترجمه، پژوهش‌های ارزشمندی در این حوزه پدید آمده که برای اختصار تنها به چند نمونه اشاره می‌شود:

ساجدی (۱۳۸۱) در مقالهٔ خود به بررسی نظریهٔ کنش‌گفتار پرداخته و معتقد است که گزاره‌های دینی چند بعدی هستند و تمام گزاره‌ها، خواه اخباری خواه انشائی، دارای کنش‌های متفاوت هستند که به فهم کلام و حیانی کمک می‌کنند. طهماسی، همایونی و صابری (۱۳۹۲) در پژوهش خود بر لزوم آشنایی مترجم با فرهنگ و تفکرات زبان مبدأ علاوه بر شناخت سطوح کامل زبانی مبدأ و مقصد برای ارائهٔ ترجمهٔ روان (ارتباطی) و دقیق (معنایی) تأکید نمودند تا بتواند به درک درستی از متن برسد و با توانش زبانی خود و دقت در تمام سطوح، با عبور از شبکهٔ درهم‌تنیدهٔ ترجمه، پیام را منتقل نماید.

در زمینهٔ مطابقت این نظریه‌ها با آیات قرآن کریم، ویسی و دریس (۱۳۹۵) با تلفیق نظریه‌های کنش‌گفتار سرل و انسجام متن هالیدی و حسن به اثبات جنبه‌های زبان‌شناختی متن

۵۰ مطالعات ترجمه، سال نوزدهم، شماره هفتاد و ششم، زمستان ۱۴۰۰

پرداخته و میزان انطباق این تحلیل زبان‌شناسی را با آنچه در تفسیر المیزان با در نظر گرفتن سیاق مطرح شده بیان نمودند.

در مورد ارتباط نظریه نظم عبدالقاهر و نظریات نوین زبان‌شناسی، حسنی (۲۰۱۶) در مقاله خود، نظریه نظم را بنیان محکمی نامیده که زبان‌شناسی معاصر بر پیکره آن جان گرفته است.

در زمینه نقد ترجمه‌های قرآن می‌توان گفت که در دهه‌های اخیر مقالات متعددی پیرامون ترجمه‌های قرآن در مجلات مترجم، بینات، ترجمان وحی، پژوهش‌های قرآنی و مطالعات ترجمه منتشر شده است که ترجمه‌های قرآن به زبان‌های مختلف را به عیار نقد سفته و از جنبه‌های عام و خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. اما آنچه پژوهش پیش رو را متمایز از پژوهش‌های پیشین می‌نماید، اتخاذ رویکردی با تلفیق سه نظریه (نظم، انسجام و کنش‌گفتار) در تحلیل ترجمه پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» است تا به ترجمه‌ای تأثیرگذار منتج شود.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و تطبیق ترجمه‌ها، با تکیه بر نظریه نظم عبدالقاهر به‌عنوان پشتوانه بلاغی، و نظریات نوین کارگفت و انسجام، به بررسی ترجمه ساختار «لو کنتم تعلمون» پرداخته است به این ترتیب که ابتدا در بخش تحلیلی، نظریه نظم جرجانی، انسجام هالیدی و حسن و کنش‌گفتار آستین را بررسی نموده، سپس این نظریه‌ها را با ترجمه آیه چهار سوره نوح تطبیق می‌دهد.

۳-۱. مبانی نظری

۳-۱-۱. نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی

بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم... ۵۱

عبدالقاهر جرجانی (۱۴۷۱ق.) با دو کتاب ارزشمند اسرار البلاغه و دلائل الإعجاز از پیشروان انقلاب زبان‌شناسی می‌باشد. از نظر جرجانی ارزش لفظ تنها به هنگام کاربرد آن در سیاق‌های مختلف ظاهر می‌شود زیرا «الفاظ به‌تنهایی و خارج از کلام نسبت به یکدیگر برتری ندارند، بلکه برتری و عدم برتری الفاظ نسبت به یکدیگر در هماهنگی و تناسب معنای لفظ با معنای لفظ بعد از خود، حاصل می‌شود» (الجرجانی، د.تا، ص. ۳۸). عبدالقاهر برای اجزای کلام، پیش از آن که به ترکیب و تألیف کلام درآید، وزن و ارزشی قائل نبود (فتوحی، ۱۳۹۰، ص. ۷). او در *دلائل الإعجاز* این سخن را به روشنی بیان نموده است که «بلاغت در حُسن تألیف اجزای کلام است و در اجزای منفرد کلام نیست» (الجرجانی، ۱۳۶۸، ص. ۴۸). نظریهٔ نظم عبدالقاهر را در قصیدهٔ «هائیه» که مشتمل بر ۲۳ بیت است، می‌توان چنین جمع‌بندی نمود: (۱) لفظ تابع معنی است یعنی این که الفاظ با توجه به معانی به‌وجود آمده و در ذهن متکلم، شکل می‌گیرد؛ (۲) پایه و اساس کلام همان نحو است که الفاظ با توجه به اصول و مبادی آن شکل می‌گیرد؛ (۳) وجه تمایز و برتری آثار نسبت به یکدیگر با توجه به بافت کلام که همان نظم است، سنجیده می‌شود (فلاحی و اشرف، ۱۳۹۲، ص. ۱۸). بنابراین، امتیاز و برتری گوینده، در توانایی و مهارت او در حُسن تشکیل و تألیف اجزای کلام است (فتوحی، ۱۳۹۰، ص. ۸).

۳-۱-۲. نظریهٔ کنش‌گفتار آستین و سرل

آستین (۱۹۱۱-۱۹۶۰) در کتاب *چگونه می‌توان با واژه‌ها کار انجام داد*^۱ (۱۹۶۲)، وجود گفته‌های کنشی را به اثبات رساند. «آستین برای اولین بار پیشنهاد می‌کند که به‌جای تأکید بر نقش موقعیتی زبان، بهتر است زبان را به‌عنوان ابزاری برای انجام کنش یا رفتار

۱. How to do things with words

تعریف کنیم» (البرزی، ۱۳۸۶، ۲۶). این نظریه که «گفته‌ها، درواقع کار و کنش انجام می‌دهند»، کنش‌گفتار نامیده شد. آستین می‌گوید در هر کنش‌گفتار در آن واحد چندین کنش وجود دارد. که عبارتند از: ۱) کنش بیانی^۲: کنش کاربرد واژگانی است که به گنجینه خاص لغات تعلق دارد، با دستور زبان خاصی مطابقت دارد و مفهوم و ارجاع مشخص دارند. ۲) کنش منظوری و غیربیانی^۳: هم‌زمان با کنش بیانی انجام می‌گیرد و به قصد و نیت گوینده از گفتن آن جمله اشاره دارد که به‌صراحت در جمله بیان نمی‌شود. ۳) کنش تأثیری یا کنش پس از بیان^۴: به تأثیراتی که گوینده با بیان پاره‌گفتار بر مخاطب می‌گذارد، (آستین، ۱۹۷۵، ص. ۹۲-۱۰۹). تکمیل‌کننده نظریه کنش‌گفتار آستین، شاگردش جان سرل است. او کنش‌های گفتار (کارگفت‌ها) را در پنج گروه طبقه‌بندی کرد: کارگفت اعلامی^۵ که نامگذاری واقعه یا اعلان یک رویداد با این کنش انجام می‌شود؛ کارگفت اظهاری^۶، در این نوع، گوینده وقایع و پدیده‌های جهان را توصیف می‌کند؛ کارگفت ترغیبی^۷ با استفاده از واژه‌ها مخاطب به انجام کاری یا بازداشتن از آن ترغیب می‌شود؛ کارگفت تعهدی^۸، دربردارنده تعهدی برای انجام عملی در آینده است؛ کارگفت عاطفی^۹، احساس گوینده از طریق واژه‌های عاطفی و احساسی با بار مثبت

۲. Locutionary

۳. Illocutionary

۴. Perlocutionary

۵. declarative act

۶. Representatives

۷. Directives

۸. Commissives

۹. Expresses

بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم... ۵۳
و یا منفی همچون تبریک گفتن و مانند آن بیان می‌گردد (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱ش، ص.
۱۷۷).

۳-۱-۳. نظریهٔ انسجام هالیدی و حسن

از نظریه‌های معروف زبان‌شناسی در تحلیل متون، نظریهٔ انسجام هالیدی و حسن
است. این نظریه مؤلفهٔ انسجام را مهم‌ترین مؤلفه شکل‌گیری متن می‌داند. آن‌ها در کتاب
انسجام در زبان انگلیسی^{۱۰} انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که به روابط معنایی موجود
در متن اشاره دارد (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۴).

در تعریف زبان‌شناسی، منظور از انسجام شامل مجموعه روابطی می‌شود که در سه
سطح دستوری، واژگانی و آوایی، میان اجزاء یک متن برقرار می‌شود که مجموعهٔ این روابط
آفرینندهٔ متن را انسجام متنی می‌نامند (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۱۳).

عنصر انسجام متنی به سه دستهٔ اصلی تقسیم می‌شوند: عوامل دستوری؛ عوامل لغوی؛
ارتباط منطقی و انسجام دستوری به سه صورت نمود می‌یابد: ارجاع^{۱۱}؛ جانشینی^{۱۲} و حذف^{۱۳}
(هالیدی و حسن، ص. ۳۲).

ارجاع—بدیهی‌ترین عنصر انسجام متن—به فرایند بازگشت یک واژه به مرجع خود
اصطلاحاً «ارجاع» گفته می‌شود. ارجاع باعث ایجاد رابطهٔ ناگسستگی می‌شود (هالیدی و حسن،

۱۰. cohesion in English

۱۱. Reference

۱۲. Substitution

۱۳. Ellipsis

جانشینی: قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر دیگر می‌باشد که هدف آن برقراری ارتباط میان عناصر یک یا چند جمله در متن است. جانشینی علاوه بر انسجام متن، از تکرار نابجا و غیرضروری در متن جلوگیری می‌کند (Salkie, ۱۹۹۵، ص. ۳).

حذف: در واقع جایگزینی با صفر است (هالیدی، ۱۹۹۰، ص. ۲۸۸).

انسجام لغوی که شامل تکرار^{۱۴} و همایندی^{۱۵} می‌باشد. برای تکرار روش‌های مختلفی انجام می‌شود که عبارتند از تکرار واژه، تکرار واژه‌های مترادف، تکرار واژه‌ای که شامل واژه قبل شود، و تکرار واژه همگانی (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۳).

همایندی: نوع دوم انسجام لغوی عبارت است از همآیی یا ارتباط بین کلماتی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند (لطفی‌پور ساعدی، ص. ۱۱۴).

ارتباط منطقی بر چهار دسته است:

۱-ارتباط اضافی (افزایشی): وقتی که جمله‌ای بتواند مطلبی را بر محتوای جمله قبلی بیفزاید.

۲-ارتباط تقابلی (تباینی): محتوای یک جمله ناقض محتوای جمله قبل باشد. در این آیه تباین و تقابلی آشکار را شاهد هستیم.

۳-ارتباط زمانی: وقتی که میان رویدادها نوعی توالی زمانی در دو جمله باشد.

۱۴. Reiteration

۱۵. Collocation

بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم . . . ۵۵
۴-ارتباط سببی: وقتی میان دو جمله یک رابطهٔ علی وجود داشته باشد و شامل روابط،
علت، نتیجه، هدف و شرط باشد (Halliday, ۱۹۷۶، ص. ۴۸۵).

۴. پیکرهٔ تحقیق

۴-۱. کاربرد حرف «لو» در زبان عربی

حرف «لو» دویست و چهل و سه بار به صورت «لَو»، «وَلَو» و «أَوَلَو» در قرآن کریم به کار رفته است و در همه جا معنای یکسانی ندارد بلکه در مواردی به معنای شرط، در مواردی به معنای تمنی و یا معانی دیگر می‌آید. حسن عباس در مورد «لو» چنین آورده است:
«لو» نزد ابن هشام بر پنج وجه است: (۱) شرطیه برای ماضی؛ (۲) شرطیه برای مستقبل؛ (۳) مصدریه؛ (۴) تمنیه؛ (۵) عرضیه (عباس، ۲۰۰۰، ص. ۱۴۹). لو با وجود این که معنای شرط دارد اما در کاربرد با حروف شرط دیگر مثل «إِن» متفاوت است زیرا مانند «إِن» ماضی را به مستقبل تبدیل نمی‌کند (الرمانی النحوی، ۱۴۲۹، ص. ۱۱۴). ضمن این که حرف «لو» دارای لحن و آوای خواهش است و کنار هم قرار گرفتن «لام» و «واو»، کنشی مملو از بار عاطفی به همراه دارد لذا نمی‌تواند هم‌ردیف حرف «إِن» قرار گیرد. برخی مثل حسن عباس معتقدند که اصل کاربرد لو و اصلی‌ترین معنای آن، برای تمنی است، تمنی معنی عرض و طلب را نیز در بر می‌گیرد و این دو معنی «تمنی و عرض» با ویژگی‌های ذاتی حروف لو «لام و واو» سازگارتر است (عباس، ۲۰۰۰، ص. ۱۲۳).

۴-۲. بررسی و تحلیل ساختار «لَو كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» در آیهٔ ۴ سورهٔ نوح

﴿يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (نوح/۴)

حداد عادل: «تا (خدا) از گناهانتان درگذرد و شما را تا مدتی معین مهلت دهد، کاش می‌دانستید که مهلت خدا چون سر آید، به تأخیر نمی‌افتد».

فولادوند: [تا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد اگر بدانید، چون وقت مقرر خدا برسد، تأخیر بر نخواهد داشت».

۴-۲-۱. نظم عبدالقاهر در متن عربی و ترجمه ساختار

توجه به آیات قبل مسیر این نظم را به‌خوبی نشان می‌دهد. فرستادن نوح به رسالت برای هشدار دادن قبل از نزول عذاب (نوح/۱)، بیان هشداردهنده بودن نوح (نوح/۲)، بیان محتوای هشدار یعنی پرستش خدا و تقوا و اطاعت از رسول (نوح/۳) و سرانجام در آیه ۴ با قرار گرفتن واژه «یغفر» در صدر کلام و تأخیر واژه «ذنوب»، آمدن واژه «یؤخرکم» قبل از «أجل مسمی»، نوید بخشش الهی داده که با هشدار جمله تأکیدی «إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ» و پایان‌بندی آیه با «لو کنتم تعلمون» به اوج می‌رسد. آمدن حرف «لو» به‌جای «إِنَّ» تمنای تحقق امری محال دارد. ضمن این که شروع آیه با فعل مضارع «یغفر»، دلالت بر حال و آینده دارد و با توجه به نظریه نظم عبدالقاهر که لفظ تابع معنای به‌وجود آمده در ذهن متکلم است، انتخاب واژه «یَغْفِرُ» و مضارع آمدن سبب امیدبخشی در چنین سیاقی با تکیه بر دستور شده و این چنین نظمی در انتخاب و چینش واژگان، قطعاً تنها با هدف انتقال یک خبر نبوده بلکه مترجم را به‌دقت در واژه‌گزینی توجه می‌دهد تا غفران در زمان حال و آینده از سوی متکلم در ترجمه هویدا شود. حداد عادل با آوردن مرجع ضمیر مستتر در «یغفر» و «یؤخر»؛ شمول بخشش بر تمام گناهان؛ استفاده از لفظ «مهلت» به‌جای لفظ «تأخیر»؛ آوردن واژه «کاش» در ترجمه حرف «لو» و اعطاء بار تمنی به این پاره‌گفتار؛ تکرار لفظ مهلت به‌جای ضمیر

بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم . . . ۵۷

مستتر «هو» در فعل «جاء» که مرجع آن را «أجل» در نظر گرفته همگی نشان از نظم در اندیشه و کلام در جهت امیدبخشی به کلام وحی برای خوانندهٔ غیرعرب دارد که در ترجمهٔ فولادوند چنین نظمی حاکم نشده است.

نظم متن عربی	انتخاب واژهٔ یغفر به شکل مضارع برای تداوم و قرار دادن ذنوب به عنوان مفعول باواسطه برای حفظ حرمت)	و يُؤَخِّرِكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى مقدم شدن واژهٔ تأخیر و مهلت دادن	إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ تأکید برای هشدار دادن به قطعی بودن به سررسیدن مهلت	لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ امید به درک شرایط و آگاه شدن
نظم ترجمهٔ حداد عادل	تا (خدا) از گناهانتان درگذرد. (ذکر واژهٔ خدا در پرانتز، شمول بخشش)	و شما را تا مدتی معین مهلت دهد (نظم در تمام واژگان این جمله)	که مهلت خدا چون سر آید، به تأخیر نمی‌افتد» (ترجمهٔ أجل خداوند به مهلت، که نشان از امید به غفران دارد)	کاش می‌دانستید (مقدم نمودن امید بر عبارت هشدار)
نظم ترجمهٔ فولادوند	[تا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید. (ذکر برخی و عدم شمول، عدم ذکر فاعل بخشنده)	و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد. (آوردن لفظ أجل و انتخاب واژهٔ تأخیر)	چون وقت مقرر خدا برسد، تأخیر بر نخواهد داشت» (ترجمه به شکل آینده)	اگر بدانید (تنها یک شرط بی‌پاسخ و بی‌تأثیر)

۴-۲-۲. کنش‌گفتار آستین در متن عربی و ترجمهٔ ساختار

کنش بیانی در متن عربی در واژهٔ ابتدای آیه با استفاده از فعل «یغفر»، در ترجمهٔ حداد عادل نمود بهتری یافته است به‌خصوص وقتی به فاعل این فعل امیدبخش، اشارهٔ صریح می‌نماید که چنین کنش بیانی به‌دنبال خود هدف و منظوری را به خواننده منتقل می‌نماید و

این منظور در واژه «مهلت» نمود خارجی یافته و با آوردن لفظ «کاش» هدف متکلم را که هدایت بشریت است به صورت بسیار جذابی منتقل نموده که می‌توان چنین ترجمه‌ای را دربردارنده هدف غائی یک ترجمه درست دانست. زیرا درواقع «ترجمه عبارتست از برگرداندن مفاهیم، چه به صورت نوشته، و چه گفته، از یک زبان که زبان مبدأ نامیده می‌شود به زبانی دیگر که زبان مقصد خوانده می‌شود و به طوری که متن ترجمه شده همان تأثیری را که در زبان مبدأ دارد در زبان مقصد نیز داشته باشد» (باطنی، ۱۳۷۱، ص. ۶۳).

کارگفت ترغیبی در دو فعل «یَغْفِرُ» و «یُؤَخِّرُ» که در ترجمه به شکل «بخشش عام» و «مهلت» ترجمه شده است، به خوبی توانسته تأثیر این کارگفت را در زبان فارسی هویدا نماید.

بار عاطفی در ترجمه پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» و تقدیم آن، دقت مترجم در انتقال مفهوم اصلی آیه را حکایت می‌نماید و به کارگیری کارگفت اظهاری در مورد عقیده خود در پایان آیه، حجت را بر خواننده تمام می‌نماید. بنابراین، در ترجمه این آیه کنش‌های گفتار سعی در تأثیرگذاری بر مخاطب را دارد.

ترجمه فولادوند	ترجمه حداد عادل	آیه ۴ سوره نوح	
بخشش برخی از گناهان، تأخیر در اُجل تا زمان مقدر، عدم تأخیر در زمان مقدر. (۳ کنش بیانی)	ذکر خدا به عنوان عامل غفران، غفران تمام گناهان، مهلت دادن تا وقت معین، بیان آرزوی دانستن این حقیقت، عدم تأخیر در زمان مقدر (۵ کنش بیانی)	غفران ذنوب، تأخیر در مرگ تا زمان مقدر، عدم تأخیر در زمان مقدر، آرزوی دانش (۴ کنش بیانی)	کنش بیانی
امید کم و بیان قطعی تحقق عذاب با تأخیر (محدود نمودن	امیدبخشی و آرزوی تغییر روش قوم (تقویت روحیه امید به بخشش	غفران و مهلت در مفهوم دو فعل جمله (تقدم غفران الهی و امید به توبه)	منظوری (غیربیانی)

گناهان، امید به ایجاد تحول قبل از دیر شدن)	غفران و عدم امید به توبه)		
آوردن «لو» به جای «ان»	دمیدن روح امید و آرزوی توبه در ترجمه به «کاش» با کنش تأثیری	ترجمه به «اگر» بدون کنش تأثیری	تأثیری (پس‌بیانی)
«یغفر»، «یؤخر»، «أجل مسمی»	«درگذرد»، «مهلت دهد»،	-	اظهاری
«إذا جاء لا یؤخر»	«به تأخیر نمی‌افتد»	«تأخیر بر نخواهد داشت»	اعلامی
-	-	«اگر بدانید»	تعهدی
فعل یغفر و مقدم شدن آن در جمله	بخشش گناهان به شکل عام و مهلت دادن	-	ترغیبی
آوردن حرف «لو»	«کاش»	-	کارگفت عاطفی

۴-۲-۳. انسجام در متن عربی و ترجمهٔ ساختار

«انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به‌عنوان یک متن از غیر متن متمایز می‌سازد» (سارلی، ۱۳۹۰، ص. ۵۵). یکی از ابزارهای انسجام از نظر هالیدی و حسن، عناصر ربط می‌باشد. یزدانی و نجفی (۱۳۸۷) در پژوهش خود پیرامون ابزار انسجام، ترجمهٔ عنصر ربط را بسیار تعیین‌کننده برشمردند و با توجه نظریهٔ انسجام، دو راهکار برای شفاف‌سازی عناصر ربط ارائه می‌دهند که عبارتند از: شفاف‌سازی به کمک افزودن عنصر ربط؛ و علائم نگارش به متن مقصد. در جدول زیر این دو عنصر در ترجمهٔ حداد عادل سبب شفاف‌سازی ترجمهٔ او شده است.

آیه ۴ سوره نوح	ترجمه حداد عادل	ترجمه فولادوند
----------------	-----------------	----------------

	ارجاع	<p>بیان جواب طلب و مجزوم آوردن فعل؛ ضمیر مستتر هو در «یغفر و یؤخر» به «الله» در آیات قبل؛ ضمایر بارز «کم» به لفظ «قوم»؛ ارجاع ضمیر مستتر «هو» در «جاء ولا یؤخر» به فاعل و نایب فاعل لفظ «أجل» در همین آیه. ضمایر «تم» در کنتم، «و» در تعلمون. (۶ مورد)</p>	<p>واژه «خدا» و آشکار کردن مرجع؛ ضمایر «تان. شما» به کلمه «قوم»؛ وجود حرف ربط «که»؛ آوردن کلمه «کاش» و «چون». (۴ مورد)</p>	<p>قرار دادن «تا» در گروه؛ ارجاع ضمایر «تان، شما» به کلمه «قوم»؛ آوردن «تا» به عنوان دلیل آوری. (۴ مورد)</p>
انسجام دستوری	جانشینی	<p>جانشینی ضمایر به جای اسم تنها برای تمرکز بر اصل موضوع که مدلول (مגיע الأجل و عدم التأخیر) را به جای دال (الله و قوم)، جانشینی فعل مجهول به جای فعل معلوم نشانگر وثوق کامل به وجود فاعل حقیقی در آیات قبل بعد از تقوا و اطاعت، ایمان به الله به درجه کمال می‌رسد. (۳ مورد)</p>	<p>جانشینی ضمایر «تان» و «شما» به جای «قوم» برای ارتباط با آیات قبل و شمول خطاب به تمام جوامع بشری؛ جانشینی واژه «مهلت» به جای تأخیر که باعث ارتباط با رسالت پیامبر به عنوان «نذیر مبین» می‌شود. (۳ مورد)</p>	<p>تنها جانشینی ضمیر «تان» و «شما» را به جای کلمه قوم برای ارتباط و انسجام سخن داریم. (۲ مورد)</p>
	حذف	<p>مفعول دوم یؤخر یعنی کلمه «عذاب» حذف شده که باز از امید به تحقق «تقوا» و «اطاعت» نشئت می‌گیرد. (۱ مورد)</p>	<p>حذف عبارت «تا توبه کنید» حذف جواب «کاش» که دلالت بر یقین متکلم بر فهم مخاطب از آیات قبل می‌باشد. (۲ مورد)</p>	<p>-</p>
انسجام لغوی	تکرار	<p>تکرار ضمیر «کم»، تکرار واژه «أجل» یعنی ایجاد یقین بر وجود زمان وعده داده شده، تکرار حروف «أخ-ر» در واژگان «یؤخرکم، و لایؤخر». (۳ مورد)</p>	<p>تکرار واژه «مهلت» که نشانگر درک مترجم از فضا و بافت موقعیتی متن و رسالت غائی انبیاء دارد. (۱ مورد)</p>	<p>تکرار واژه «وقتی معین» و «وقت مقرر». (۲ مورد)</p>
	همایشی	<p>واژه «یغفر» در کنار «یؤخر» که بار معنایی یکسانی دارند؛ واژگان «أعبدا،</p>	<p>درگذشتن از تمام گناهان، گزینش هوشمندانه واژه</p>	<p>-</p>

۶۱ بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم . . .

		اتَّقُوا، اطیعون» در آیهٔ قبل و به دنبال آن آوردن واژگان «يَغْفِرُ، يُؤَخِّرُ» (۶ مورد)		
	مهلّت. (۲ مورد)			
	-	شروع سوره با اعلام رسالت نوح، درخواست هدایت با آوردن إذا و لو. حالت شرط، سپس امید بر امر ممتنع. (۲ مورد)	اضافی	
	-	این تباین به حرکت صعودی از عذاب الهی ارتقاء یافت. (۱ مورد)	تباین	
	-	در آیهٔ ۱ سورهٔ نوح شاهد وعید «اتیان عذاب أليم» هستیم. سپس وعدهٔ غفران و مهلت می‌دهد که این تباین باعث افزایش امید است. (۱ مورد)		
بخشش برخی گناهان در زمان حال و موکول کردن زمان آن به وقت معین و تهدید به عدم تأخیر در آینده. (۳ مورد)	درگذشتن از گناه و مهلت دادن در زمان حال و سپس با ترجمهٔ ماضی استمراری زمان حال را به گذشته پیوند داده و ذکر عدم تأخیر در زمان حال که همهٔ این زمانها استمرار دارد. (۵ مورد)	در آیهٔ اول سوره، ذکر کلمهٔ «قبل» ترتیب زمانی دعوت انبیاء، پس از طی کردن مسیر دعوت، اشاره به «اجل مسمی» و سرانجام با «کنتم تعلمون» گذشته‌ای ساری و جاری (ماضی استمراری) را بیان می‌نماید. (۳ مورد)	زمانی	ارتباط منطقی
آوردن «تا» داخل گروه تنها برای وضوح و اشاره تلویحی سببی. (۱ مورد)	آوردن «تا» در ترجمه خارج از پراتنز، آوردن عبارت (کاش می‌دانستید که . . .) علت و معلولی (۲ مورد)	ارسال انبیاء سبب انذار قوم و پیشگیری از آمدن عذاب و بندگی خداوند و تقوای الهی و پیروی از دستورات وحیانی سبب غفرانی است که در آیهٔ بعد وعدهٔ آن داده می‌شود. (۲ مورد)	سببی	

نتیجه‌گیری

بررسی آیهٔ چهارم سورهٔ مبارکه نوح و مقایسهٔ دو ترجمه به نمایندگی از دو رویکرد، با

استفاده از نظریه بلاغی قدیم و کاربردشناسی نوین نتایج زیر را در پی داشت:

۱. درک نظم حاکم بر آیات قبل و توجه به سیاق، به مترجم در گزینش الفاظ معادل و چینش درست آن‌ها و استفاده از کنش مناسب جهت تأثیرگذاری متن ترجمه کمک شایانی می‌کند. در آیه مورد نظر، حداد عادل با توجه به هشدارهای موجود در آیات قبل توانست این شدت محال بودن را در ترجمه «لو» به خوبی نشان دهد زیرا متن ترجمه از مؤلفه‌های ارزشمند متن مبدأ جهت تأثیر حداکثری برخوردار بود.
۲. از منظر نظریات زبان‌شناسانه و نظم موجود در بافت آیه، مشخص شد که انتخاب معادل واژه «لو» به معنای «کاش» در ترجمه حداد عادل بهتر توانسته کنش گفتار متن را بیان نماید و تأثیر آن بر خواننده متن مقصد چیزی فراتر از ترجمه آن در معنای حرف «إن» به معنای «اگر» می‌باشد. یعنی انتقال پیام با تمام کنش‌های موجود در آن در این ترجمه به صورت کامل انجام شده است.
۳. به نظر می‌رسد که حداد عادل، بافت پیرامونی و موقعیتی گفتار را که حکایت از اهداف رسالت دارد درک نموده و با تسلط کافی بر واژگان زبان مقصد به خوبی توانسته گزینش مناسبی برای معادل «لو» در این ساختار بیابد تا تأثیرگذاری متن فارسی به زیبایی متن عربی گردد و تفاوت کاربرد «لو» و «إن» به خوبی آشکار شود.
۴. انتخاب حرف «لو» که دارای لحن و آوای خواهش است با توجه به افعال ماقبل و فضای امیدوارانه حاکم بر آیه، ضمن توجه به خوف و رجای نهفته در «إذا جاء لا یؤخر» و ابهامی که در مجهول آوردن فعل «لا یؤخر» وجود دارد، فضای گفتگو را به سمت درخواست و تمنا سوق می‌دهد که این تمنا در ترجمه حرف «لو» به «کاش» هویدا می‌شود و حداد عادل به عنوان نماینده رویکرد دوم در این امر موفق عمل نموده است.

منابع:

القرآن الکریم.

- ۶۳ بررسی و تحلیل ترجمه پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم . . .
- باطنی، م. (۱۳۷۱). *پیرامون زبان و زبان‌شناسی*. چاپ اول. تهران: فرهنگ معاصر.
- البرزی، پ. (۱۳۸۶). *مبانی زبان‌شناسی متن*. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- الجرجانی، ع. (۱۳۶۸). *دلائل الاعجاز فی القرآن*، ترجمه سید محمد رادمنش. مشهد: آستان قدس رضوی.
- الجرجانی، ع. (د. تا). *اسرارالبلاغه فی علم البیان*. التصحیح و التنقیح: م. رشید رضا. بیروت: دار المعرفة.
- حداد عادل، غ. (۱۳۹۰). *ترجمه قرآن کریم*، آستان قدس رضوی: پژوهش‌های اسلامی.
- الرمانی النحوی، ع. (۱۴۲۹). *معانی الحروف*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- راستی، ع. (۱۴۰۰). جستاری درباره حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی رمان «ناتور دشت» و راهبردهای برگردان آن‌ها. *مطالعات ترجمه*. ۱۹(۵۷)، ۷-۲۳.
- زرقانی، م؛ الهام، ا. (۱۳۹۱). تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش‌گفتار. دو فصلنامه علمی-پژوهشی *ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء*، ۳(۶). بهار و تابستان، ۶۱-۸۰.
- طیبی، ا. (۱۳۹۲). ترجمه (نا)پذیری قرآن: میراث استعمار؟ *مطالعات ترجمه*. ۱۱(۴۳)، ۱۰۰-۱۱۶.
- عباس، ح. (۲۰۰۰). *حروف المعانی بین الأصالة و الحدائثة*. دمشق: دیوان اتحاد کتاب العرب.
- فتوحی، م. (۱۳۹۰). *نامه نقد* (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران)، چاپ اول. تهران: نشر خانه کتاب.
- فلاحتی، ص؛ اشرف، ا. (۱۳۹۲). بازخوانی نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی *صحیفه مبین*. ۵۲(۱۹)، ۱۸-۳۰.
- فولادوند، م. (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن مجید*، چاپ اول. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- لطفی پور ساعدی، ک. (۱۳۹۵). *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*، چاپ هشتم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ملانظر، ح. (۱۳۸۲). *مطالعات ترجمه: فرهنگ و زبان و ادب*. *مطالعات ترجمه*، ۱(۱)، ۷-۳۰.
- نجفی، آ.، و اسدپور، ه.، و یزدانی، م. (۱۳۸۷). انتقال ابزار انسجامی حروف ربط و شفاف‌سازی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم (مطالعه‌ای موردی از سوره یوسف). *مطالعات ترجمه*، ۶(۲۴)، ۷۴-۵۲.